

مسئولیت مدنی و قراردادی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در حقوق ایران و تطبیق با مقررات

اتحادیه اروپا (Digital Services Act)

الیانا محمدپور^۱، نجمه دارنجانی شیرازی^۲

۱- کارشناسی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، مرودشت، ایران.

۲- پژوهشگر دوره دکتری حقوق خصوصی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. (مدرس دانشگاه آزاد).

چکیده :

فعالیت پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در ایران با چالش‌های حقوقی عمیقی در حوزه مسئولیت مدنی و قراردادی مواجه است. این پژوهش با هدف تحلیل مبانی مسئولیت پلتفرم‌ها در حقوق ایران و تطبیق آن با مقررات نوین اتحادیه اروپا (Digital Services Act) انجام شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است و با بررسی منابع کتابخانه‌ای و اسناد قانونی، به‌ویژه قانون تجارت الکترونیک ایران و DSA، به تحلیل داده‌ها پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران عمدتاً بر مبنای مسئولیت مبتنی بر تقصیر و حاکمیت اراده در قراردادها استوار است، در حالی که DSA با پذیرش مسئولیت مبتنی بر ریسک سیستمی، تعهدات پیشگیرانه و شفافیت الگوریتمی را الزامی می‌کند. در حوزه مسئولیت قراردادی، شروط غیرمنصفانه در ایران عمدتاً با قواعد عمومی قراردادها و قانون حمایت از مصرف‌کننده محدود می‌شوند، اما DSA با الزام به «شرایط خدمات منصفانه» کنترل مستقیم‌تری اعمال می‌کند. در مسئولیت مدنی، ماده ۵۲ قانون تجارت الکترونیک ایران مصونیت پلتفرم را در صورت عدم علم می‌پذیرد، ولی DSA با تعریف «وظیفه مراقبت حرفه‌ای» این مصونیت را مشروط به اجرای تدابیر نظارتی فعال کرده است. نتیجه‌گیری حاکی از آن است که حقوق ایران برای هم‌سویی با استانداردهای جهانی نیازمند اصلاحاتی چون تعریف صریح «واسطه خدمات دیجیتال»، توسعه مسئولیت مبتنی بر ریسک، الزام به شفافیت الگوریتمی و تقویت دکرترین نمایندگی الکترونیکی است. این تحولات تقنینی می‌تواند تعادل مطلوبی بین نوآوری پلتفرم‌ها و حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و اشخاص ثالث برقرار سازد. واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، مسئولیت قراردادی، پلتفرم تجارت الکترونیک، Digital Services Act، حقوق ایران.

مقدمه :

فعالیت پلتفرم‌های تجارت الکترونیک، که به عنوان واسطه‌های دیجیتالی پیچیده عمل می‌کنند، بنیان‌های سنتی حقوق قراردادهای و مسئولیت مدنی را با پرسش‌های بنیادینی مواجه ساخته است؛ این امر به دلیل عدم مداخله مستقیم پلتفرم‌ها در تولید کالا یا ارائه خدمات اصلی، اما نقش حیاتی در فراهم آوردن زیرساخت و اعتبار مبادله است (حاجعلی و حسین‌پور، ۲۰۲۵). معماری این پلتفرم‌ها که عموماً مبتنی بر بازارهای آنلاین (Marketplaces) و شبکه‌های اجتماعی تجاری است، ابهامات زیادی در خصوص تحدید یا توسعه دامنه مسئولیت آن‌ها ایجاد کرده است؛ به‌ویژه در مواردی که خسارت ناشی از نقض تعهدات فروشنده یا عرضه محتوای غیرقانونی توسط کاربران باشد (صادقی، ۲۰۲۵). در نظام حقوقی ایران، چارچوب‌های قانونی موجود، از جمله قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲، اغلب در زمان‌هایی تدوین شده‌اند که این پیچیدگی‌های ساختاری به شکل کنونی ظهور نیافته بودند، و لذا نیاز مبرمی به بازنگری در تفسیر اصول سنتی مسئولیت مدنی و قراردادی وجود دارد (میرلوحی، ۲۰۲۵).

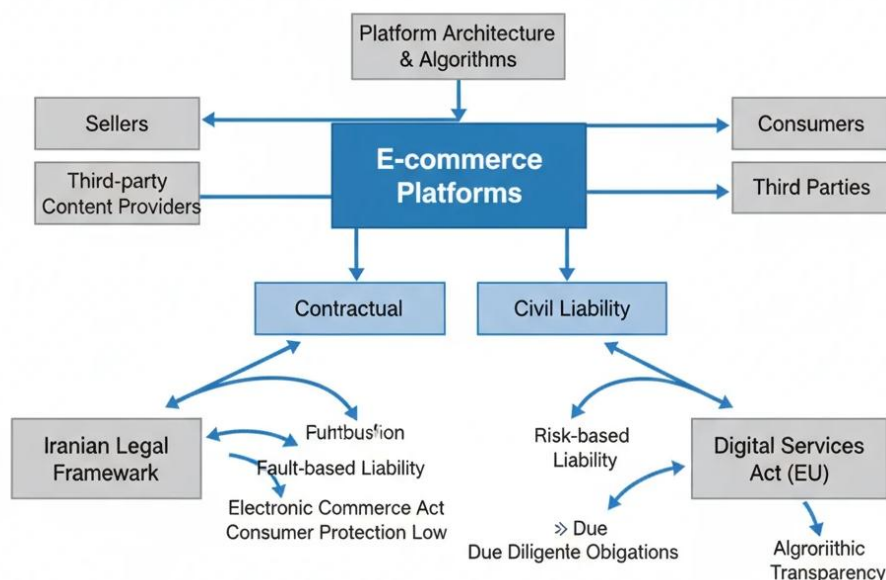
ماهیت چندوجهی فعالیت پلتفرم‌ها، مسئولیت آن‌ها را از یک رابطه دوطرفه (فروشنده-خریدار) به یک رابطه چندلایه تبدیل کرده است که در آن، پلتفرم به عنوان تسهیل‌کننده، کنترل‌کننده، و گاهی اوقات حتی شریک ضمنی در فرایند فروش ایفای نقش می‌کند (حسینی مقدم، ایوبی و طالقان غفاری، ۲۰۲۳). این نقش دوگانه، باعث شده است که نظریه‌های سنتی مبتنی بر تقصیر (Fault-based liability) به تنهایی پاسخگوی نیازهای حمایتی مصرف‌کننده نباشند؛ چرا که اثبات تقصیر پلتفرم در هر تراکنش خرد، عملاً ناممکن یا بسیار دشوار است (قرائتی، عزت‌زاده و محمدپور، ۲۰۲۵). از این رو، تحلیل دقیق مبانی حقوقی مسئولیت، نیازمند تفکیک میان مسئولیت ناشی از عملکرد خود پلتفرم (مثلاً نقص در سیستم پرداخت یا ابزارهای ارتباطی) و مسئولیت ناشی از محتوای تولید شده توسط اشخاص ثالث است (نخجوانی و یاقوتی، ۲۰۲۵).

اقتصاد دیجیتال مبتنی بر اعتماد است و پلتفرم‌ها به واسطه ظرفیت‌های نظارتی و الگوریتمی خود، ابزارهایی برای اعتمادسازی در اختیار دارند که اگر از آن‌ها استفاده نکنند، باید پاسخگو باشند (محقق‌دولت‌آبادی و فلاح، ۲۰۱۷). این رویکرد، به‌ویژه در تعامل با مصرف‌کننده نهایی، وزن سنگینی بر دوش پلتفرم‌ها می‌اندازد؛ زیرا مصرف‌کننده معمولاً توانایی تشخیص هویت و صلاحیت فنی فروشندگان متعدد در یک بازار واحد را ندارد و به اعتبار پلتفرم تکیه می‌کند (تقی‌زاده، احمدی و افشین، ۲۰۱۵). بنابراین، بحث از "مسئولیت مبتنی بر ریسک" یا "مسئولیت فرضی" برای پلتفرم‌هایی که از هر تراکنش سودی می‌برند، از منظر فقهی و مدنی قابل بحث است، هرچند که فقه اسلامی و حقوق ایران غالباً بر رکن تقصیر تأکید دارند (حبیب‌زاده و طاهر، ۲۰۱۴).

در عرصه بین‌المللی، تنظیم‌گری‌ها به سرعت در حال تغییر هستند؛ به عنوان مثال، قانون خدمات دیجیتال اتحادیه اروپا (DSA) چارچوبی جامع برای مدیریت ریسک‌های سیستمی پلتفرم‌ها ارائه داده است که تأکید زیادی بر تعهدات پیشگیرانه و شفافیت الگوریتمی دارد (بهمن شرفخواه و فلاح خاریکی، ۲۰۲۵). این تحولات بین‌المللی، ضرورت تطبیق و به‌روزرسانی قواعد داخلی ایران را دوچندان می‌سازد تا از این طریق، هم از نوآوری حمایت شود و هم حقوق فعالان اقتصادی و مصرف‌کنندگان حفظ گردد (ظاهری، ۲۰۲۰). عدم وجود یک قانون شفاف در خصوص "واسطه‌گری دیجیتال" در حقوق ایران، باعث شده است که قضات و مفسران ناچار به استفاده از اصول کلی قانون مدنی و قانون تجارت الکترونیک شوند که این امر ثبات و پیش‌بینی‌پذیری حقوقی را کاهش داده است (استا، شهبازی‌نیا و پارساپور، ۲۰۲۵).

یکی از مهم ترین چالش ها، تفکیک میان وضعیت پلتفرم به مثابه «ناشر» (Publisher) یا «میزبان» (Host) است؛ تفکیکی که در قوانین اولیه اینترنت مطرح بود اما در مدل های جدید پلتفرمی، مرز آن کمرنگ شده است (اکبری، پهلوانزاده و ایرانشاهی، ۲۰۲۴). پلتفرم ها نه تنها فضا را فراهم می کنند، بلکه با الگوریتم های توصیه و رتبه بندی خود، مستقیماً بر انتخاب مصرف کننده تأثیر می گذارند و در نتیجه، در شکل دهی به محتوای بازار نقش فعال دارند (یوسفزاده، ۲۰۲۷). این مداخله فعال، می تواند دلیلی برای پذیرش نوعی مسئولیت مستقیم در قبال محتوای نامناسب یا محصولات معیوب باشد، حتی اگر خود پلتفرم مستقیماً فروشنده نباشد. در نتیجه، پژوهش حاضر بر آن است تا با تمرکز بر مبانی مسئولیت مدنی و قراردادی در حقوق ایران و مقایسه آن با رویکرد نوین DSA، شکاف های قانونی موجود را شناسایی کند. این شکاف ها به ویژه در حوزه شروط قراردادی پلتفرم، اعمال نظارت پیشگیرانه و تعریف دامنه مسئولیت در برابر خسارات غیرمستقیم، آشکارتر می شوند (باقری و روح انگیز، ۲۰۲۰). بررسی تطبیقی نشان خواهد داد که چگونه می توان با الهام از تجارب بین المللی، چارچوبی منسجم تر و حمایتی تر برای تنظیم روابط حقوقی پیچیده در اکوسیستم تجارت الکترونیک ایران طراحی نمود.

اهمیت این پژوهش در ارائه تحلیلی عمیق از سازوکارهای حمایتی حقوق ایران در مقایسه با استانداردهای جهانی است؛ استانداردهایی که تلاش دارند تا با ایجاد تعادل میان نوآوری و حمایت از حقوق اساسی کاربران، محیط دیجیتال ایمن تری فراهم آورند (میرلوحی، ۲۰۲۵). عدم وضوح در مسئولیت پلتفرم ها، منجر به عدم شفافیت در تخصیص ریسک ها به ذی نفعان مختلف می شود و این ابهام، در نهایت، بر هزینه معاملات و اعتماد عمومی تأثیر منفی می گذارد؛ بنابراین، این مقاله سعی دارد با تحلیل دقیق مبانی نظری، راهکارهای نظری و عملی برای پر کردن این خلاءها ارائه دهد.



شکل ۱. چارچوب مفهومی مسئولیت مدنی و قراردادی پلتفرم های تجارت الکترونیک در حقوق ایران و اتحادیه اروپا (DSA).

شکل حاضر چارچوبی تحلیلی برای تبیین مسئولیت پلتفرم‌های تجارت الکترونیک ارائه می‌دهد که در آن، نقش پلتفرم به‌عنوان واسطه دیجیتال در اتصال عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان، نقطه آغاز تحلیل حقوقی قرار گرفته است. در این چارچوب، مسئولیت پلتفرم‌ها در دو بعد متمایز اما هم‌پوشان مسئولیت قراردادی و مسئولیت مدنی بررسی می‌شود؛ مسئولیت قراردادی ناظر بر تعهدات ناشی از شروط استفاده، نمایندگی الکترونیکی و تضمین‌های ضمنی پلتفرم است، در حالی که مسئولیت مدنی عمدتاً بر مبنای تقصیر در نظارت، نقض وظیفه مراقبت حرفه‌ای و ورود ضرر به مصرف‌کننده یا اشخاص ثالث شکل می‌گیرد. در بعد تطبیقی، نمودار نشان می‌دهد که حقوق ایران همچنان غالباً مبتنی بر الگوی سنتی مسئولیت پسینی و لزوم اثبات تقصیر است، در حالی که مقررات اتحادیه اروپا به‌ویژه Digital Services Act با تأکید بر مدیریت ریسک سیستمی، الزامات پیشگیرانه و شفافیت الگوریتمی، دامنه مسئولیت پلتفرم‌ها را توسعه داده است. این مقایسه نشان می‌دهد که هرچه میزان مداخله و کنترل پلتفرم در فرایند معامله و جریان اطلاعات افزایش می‌یابد، مسئولیت حقوقی آن نیز به‌صورت تصاعدی تشدید می‌شود و ضرورت بازنگری تقنینی در حقوق ایران را برجسته می‌سازد.

۲. مبانی نظری و فقهی مسئولیت مدنی و قراردادی پلتفرم‌ها در حقوق ایران

مسئولیت مدنی در حقوق ایران، ریشه در اصول کلی فقه امامیه و مواد ۱ تا ۱۳ قانون مدنی و همچنین مواد ۱ تا ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ دارد که رکن اساسی آن مبتنی بر نظریه تقصیر است، مگر در مواردی که قانون صراحتاً مسئولیت مطلق یا مسئولیت مبتنی بر خطر را مقرر داشته باشد (حبیب‌زاده و طاهر، ۲۰۱۴). در مورد پلتفرم‌های تجارت الکترونیک، که عموماً نقش واسطه یا تسهیل‌کننده را ایفا می‌کنند، تعیین ماهیت دقیق رابطه‌ای که میان پلتفرم و کاربر شکل می‌گیرد، سنگ بنای تعیین مسئولیت است (حاجعلی و حسین‌پور، ۲۰۲۵). اگر رابطه قراردادی صریح میان پلتفرم و مصرف‌کننده شکل گرفته باشد، قواعد مسئولیت قراردادی اعمال می‌شود؛ اما در بسیاری از موارد، مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر در ایفای وظایف نظارتی یا امنیتی، محل بحث اصلی قرار می‌گیرد (صادقی، ۲۰۲۵).

نظریه تقصیر به عنوان مبنای اصلی مسئولیت مدنی در حقوق ایران، مستلزم اثبات سه رکن است: اولاً، وجود یک فعل یا ترک فعل منتسب به پلتفرم؛ ثانیاً، ورود ضرر به زیان‌دیده؛ و ثالثاً، رابطه سببیت میان آن فعل و ضرر وارده (حسینی مقدم، ایوبی و طالقان غفاری، ۲۰۲۳). چالش اصلی در مورد پلتفرم‌ها این است که فعالیت آن‌ها غالباً به واسطه سپردن اختیار به الگوریتم‌ها و کاربران است، که این امر انتساب مستقیم فعل زیان‌بار به اراده یا تقصیر خود پلتفرم را دشوار می‌سازد (میرلوحی، ۲۰۲۵). این دشواری در اثبات تقصیر، زمینه را برای بحث در خصوص مسئولیت‌های بدون تقصیر (نظریه خطر) فراهم می‌آورد که در فقه و حقوق ایران، بیشتر محدود به اموال خطرناک یا فعالیت‌های خاص است (باقری و روح‌انگیز، ۲۰۲۰). از منظر فقهی، مسئولیت مبتنی بر تقصیر، در اصل مبتنی بر قاعده «لاضرر و لا ضرر فی الاسلام» و اصل جبران خسارت است که در صورت تعدی یا تقصیر حاصل می‌شود (محقق‌دولت‌آبادی و فلاح، ۲۰۱۷). با این حال، در فقه امامیه، بحث مسئولیت متصدیان امور، مانند شرکت‌های حمل و نقل یا امینان، نشان می‌دهد که در مواردی که وظیفه نگهداری یا نظارت بر امری محول شده است، مسئولیت شدیدتری اعمال می‌شود که می‌تواند به مسئولیت مبتنی بر عدم انجام وظیفه (و نه صرفاً تقصیر در انجام وظیفه) نزدیک شود (نخجوانی و یاقوتی، ۲۰۲۵). پلتفرم‌ها در

نقش خود به عنوان تسهیل‌گر تراکنش، نوعی امانت یا نمایندگی ضمنی در حفظ سلامت فرایند معامله دارند که می‌تواند مبنایی فقهی برای توسعه مسئولیت فراتر از تقصیر محض فراهم سازد (قرائتی، عزت‌زاده و محمدپور، ۲۰۲۵).

قانون تجارت الکترونیک (ماده ۵۱ و ۵۲)، اگرچه به صراحت مسئولیت پلتفرم‌ها را بیان نکرده، اما در مواردی که پلتفرم اطلاعات غلط یا گمراه‌کننده ارائه دهد، نوعی مسئولیت مبتنی بر فعل خود را پذیرفته است که به مسئولیت قراردادی در صورت وجود قرارداد اصلی یا مسئولیت مدنی در صورت ورود ضرر به کاربران نزدیک می‌شود (ظاهری، ۲۰۲۰). در اینجا، مسئله اصلی تفکیک میان «اطلاعات» (که ممکن است توسط کاربر تولید شده باشد) و «ابزارهای ارتباطی» (که مستقیماً توسط پلتفرم کنترل می‌شوند) است؛ مسئولیت در حوزه ابزارها قوی‌تر است (تقی‌زاده، احمدی و افشین، ۲۰۱۵). تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که پلتفرم‌های امروزی اغلب در نقش «ارائه‌دهنده خدمات اطلاعاتی» (Information Society Service Provider) عمل می‌کنند که در حقوق ایران، تعریف دقیقی برای آن ارائه نشده است؛ لذا باید به تعاریف عمومی قانون مدنی بازگشت، جایی که ماهیت این واسطه‌گری باید به یکی از عقود معین (مانند وکالت یا دلالی) نزدیک شود یا تحت قواعد مسئولیت مدنی عام قرار گیرد (استا، شهبازی‌نیا و پارساپور، ۲۰۲۵). اگر پلتفرم در فرایند تأیید هویت یا تأمین امنیت پرداخت‌ها کوتاهی کند، این کوتاهی مصداق تقصیر در ایفای وظایف عمومی خود تلقی می‌شود و مسئولیت مدنی ناشی از آن قابل طرح است (اکبری، پهلوان‌زاده و ایرانشاهی، ۲۰۲۴).

با این حال، مقایسه با رویکردهای نوین جهانی، به‌ویژه در خصوص محتوای غیرقانونی و کالاها و خدمات مضر، نشان می‌دهد که تکیه صرف بر تقصیر، بار اثبات سنگینی را بر دوش زیان‌دیدگان می‌گذارد (یوسف‌زاده، ۲۰۲۷). در حقوق ایران، نهاد «نظارت متناسب» به عنوان مبنایی برای توسعه مسئولیت مدنی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ یعنی اگر پلتفرم ابزاری برای نظارت داشته باشد و از آن استفاده نکند، این عدم استفاده می‌تواند به عنوان تقصیر تلقی شود، حتی اگر عملکرد الگوریتمی آن‌ها به طور کامل قابل پیش‌بینی نباشد (بهمن شرفخواه و فلاح خاریکی، ۲۰۲۵). این تحلیل نیازمند پذیرش تدریجی مفاهیم مسئولیت مبتنی بر ریسک است، به‌ویژه در حوزه‌هایی که پلتفرم دارای قدرت انحصاری در حذف یا دسترسی به اطلاعات است (میرلوحی، ۲۰۲۵). بنابراین، مبانی نظری مسئولیت پلتفرم‌ها در حقوق ایران در یک نقطه تلاقی میان اصول سنتی مسئولیت مبتنی بر تقصیر و نیازهای نوین ناشی از پیچیدگی‌های فناوری قرار دارد. برای رسیدن به یک نظام حقوقی کارآمد، لازم است تا ابعاد قراردادی و مدنی این مسئولیت‌ها به طور شفاف‌تر از یکدیگر متمایز شده و مبنای مسئولیت در حوزه‌هایی که پلتفرم نقش «کنترل‌کننده جریان اطلاعات» را دارد، از تقصیر صرف فراتر رود تا سازگاری با انتظارات حقوقی نوین محقق گردد (صادقی، ۲۰۲۵).

۳. مسئولیت قراردادی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در حقوق ایران

مسئولیت قراردادی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در حقوق ایران، عمدتاً از طریق تحلیل شروط استفاده (Terms of Service) و تعهدات مندرج در قراردادهای الکترونیکی شکل می‌گیرد، که این قراردادها تابع قواعد عمومی قراردادها در قانون مدنی هستند، با لحاظ الزامات خاص قانون تجارت الکترونیک (حسینی مقدم، ایوبی و طالقان غفاری، ۲۰۲۳). هنگامی که پلتفرم با مصرف‌کننده در خصوص ارائه خدمات واسطه‌گری یا دسترسی به سامانه به توافق می‌رسد، یک قرارداد مستقل شکل می‌گیرد که نقض تعهدات ناشی از آن، مستقیماً مسئولیت قراردادی را به دنبال دارد (حاجعلی و حسین‌پور، ۲۰۲۵). این مسئولیت، برخلاف مسئولیت مدنی، مبتنی

بر تخلف از تعهد قراردادی مشخص است و نیازی به اثبات تقصیر عام ندارد، بلکه تنها عدم اجرای تعهد (تخلف) کافی است (نخجوانی و یاقوتی، ۲۰۲۵). تعیین دقیق دامنه تعهدات قراردادی پلتفرم، از موارد اصلی اختلاف است؛ پلتفرم معمولاً خود را صرفاً یک «تسهیل‌کننده فنی» معرفی می‌کند و تعهد خود را به فراهم آوردن زیرساخت و حفظ صحت عملکرد سیستم محدود می‌سازد، در حالی که مصرف‌کننده انتظار دارد که پلتفرم در قبال صحت و سلامت کالا یا خدمات فروخته شده نیز تضمین‌هایی ارائه دهد، حتی اگر مستقیماً در فروش دخیل نباشد (میرلوحی، ۲۰۲۵). در مواردی که پلتفرم اقدام به «تأیید» (Verification) فروشندگان یا محصولات می‌کند (مثلاً اعطای نشان اعتماد یا گواهی اصالت)، این اقدام خود به یک تعهد قراردادی ضمنی تبدیل می‌شود که عدم رعایت آن، نقض قرارداد تلقی می‌گردد (صادقی، ۲۰۲۵).

ماده ۲۷ قانون تجارت الکترونیک، در خصوص مسئولیت ارائه‌دهنده خدمات در برابر محتوای ارسالی توسط کاربران، یک تمایز مهم ایجاد می‌کند: اگر ارائه‌دهنده خدمات قبل از اطلاع از محتوای غیرقانونی، آن را منتشر کرده باشد، مسئولیت مدنی نخواهد داشت، مگر پس از اطلاع و عدم حذف آن (ظاهری، ۲۰۲۰). این ماده بیشتر ناظر بر مسئولیت مدنی در قبال محتوای مجرمانه است، اما می‌توان آن را به نقض تعهدات قراردادی در قبال کاربران (مثل حفظ حریم خصوصی یا عدم افشای اطلاعات تراکنش‌ها) نیز بسط داد (تقی‌زاده، احمدی و افشین، ۲۰۱۵). در زمینه قراردادی، اگر پلتفرم متعهد به حفظ امنیت داده‌ها باشد و در اثر نقض امنیت، اطلاعات مالی کاربر به سرقت برود، این نقض تعهد مستقیم قراردادی تلقی شده و مسئولیت قراردادی ایجاد می‌شود (استا، شهبازی‌نیا و پارساپور، ۲۰۲۵).

یکی از نکات کلیدی در مسئولیت قراردادی، تعریف دقیق «تقصیر» در زمینه اجرای قراردادهای الکترونیکی است؛ زیرا اجرای قرارداد پلتفرم‌ها اغلب تابع شرایط سیستمی و نرم‌افزاری است (یوسف‌زاده، ۲۰۲۷). به عنوان مثال، اگر تأخیر در پردازش سفارش ناشی از ایراد در سرورهای پلتفرم باشد، این امر مصداق عدم اجرای تعهد قراردادی است و مسئولیت قراردادی صرف‌نظر از تقصیر فردی کارکنان، به پلتفرم بار می‌شود (اکبری، پهلوان‌زاده و ایرانشاهی، ۲۰۲۴). نظریه «مسئولیت ناشی از ابزار» (Liability for instruments) در اینجا قابل اعمال است، زیرا پلتفرم ابزار اصلی اجرای خدمات است و مسئولیت کامل عملکرد ابزار خود را بر عهده دارد (باقری و روح‌انگیز، ۲۰۲۰). در قراردادهای B۲C (تجارت به مصرف‌کننده)، حمایت از مصرف‌کننده (Consumer Protection) ایجاب می‌کند که شروط قراردادی پلتفرم در تفسیر به نفع مصرف‌کننده تلقی شوند، به‌ویژه در صورت ابهام (اصل تفسیر به نفع طرف ضعیف‌تر) (محقق‌دولت‌آبادی و فلاح، ۲۰۱۷). اگر پلتفرم در شروط خود، مسئولیت کامل خود در قبال نقص سیستم‌های پرداخت یا ناامن بودن بسترهای ارتباطی را سلب کرده باشد، این شروط به دلیل مخالفت با نظم عمومی و اخلاق حسنه، یا مغایرت با قوانین حمایت از مصرف‌کننده، قابل ابطال هستند (حبیب‌زاده و طاهر، ۲۰۱۴).

با وجود این چارچوب، در موارد پیچیده‌ای مانند تقلب فروشندگان یا عرضه کالاهای تقلبی، تمایز مسئولیت قراردادی پلتفرم با فروشنده بسیار دشوار است (قرائتی، عزت‌زاده و محمدپور، ۲۰۲۵). اگر قرارداد پلتفرم با مصرف‌کننده شامل «تضمین بازگشت وجه» یا «تضمین کیفیت» باشد، مسئولیت قراردادی مستقیمی در این موارد بر عهده پلتفرم خواهد بود که این امر فراتر از مسئولیت قراردادی صرفاً در قبال ارائه پلتفرم است (بهمن شرفخواه و فلاح خاریکی، ۲۰۲۵). این مسئولیت‌ها، غالباً از طریق مکانیزم‌هایی چون «حفاظت از وجه» یا «تعهد به جبران خسارت خریدار» در صورت اثبات تقصیر فروشنده، اجرا می‌شوند که خود مستلزم یک تعهد

ثانویه قراردادی از سوی پلتفرم است (میرلوحی، ۲۰۲۵). در نهایت، مسئولیت قراردادی پلتفرم در حقوق ایران، نیازمند رویکردی تفکیک‌شده است: مسئولیت مستقیم در قبال نقص سیستم‌ها و عملکرد خود، و مسئولیت غیرمستقیم در قبال اقدامات فروشندگان که از طریق شروط قراردادی (تعهد به نظارت و جبران خسارت ثانویه) پوشش داده می‌شود؛ رویکردی که همچنان از مبانی نظری سنتی فاصله‌چندانی نگرفته و نیاز به توسعه در جهت پوشش ریسک‌های سیستمی دارد (میرلوحی، ۲۰۲۵).

۴. مسئولیت مدنی پلتفرم‌ها در قبال مصرف‌کنندگان و اشخاص ثالث

مسئولیت مدنی پلتفرم‌ها در حقوق ایران، دو حوزه مجزا اما مرتبط را در بر می‌گیرد: اول، مسئولیت در قبال مصرف‌کنندگان نهایی که مستقیماً از نقص خدمات پلتفرم یا عرضه کالای معیوب توسط فروشندگان متضرر شده‌اند؛ و دوم، مسئولیت در قبال اشخاص ثالثی که حقوقشان در اثر فعالیت‌های انجام شده در بستر پلتفرم (مثلاً انتشار محتوای توهین‌آمیز یا نقض مالکیت فکری) مورد تعرض قرار گرفته است (صادقی، ۲۰۲۵). در هر دو حالت، چالش اصلی مبتنی بر اثبات رابطه سببیت و میزان دخالت پلتفرم در تولید ضرر است (میرلوحی، ۲۰۲۵). در مورد مصرف‌کنندگان، مسئولیت مدنی معمولاً بر پایه مسئولیت ناشی از تقصیر در اعمال نظارت استوار است (حسینی مقدم، ایوبی و طالقان غفاری، ۲۰۲۳). اگر پلتفرم با وجود علم یا قابلیت علم (Should have known) به غیرایمن بودن کالای عرضه شده (بر اساس گزارش‌های مکرر کاربران یا شواهد آشکار)، آن را حذف نکند، این امر می‌تواند به عنوان تقصیر در نظارت تلقی شود و موجب مسئولیت مدنی در برابر زیان‌دیده نهایی گردد (صادقی، ۲۰۲۵). قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان (مصوب ۱۳۸۸) با تأکید بر مسئولیت عرضه‌کننده، چارچوبی کلی را فراهم می‌کند، اما پلتفرم‌ها اغلب تلاش می‌کنند تا با استناد به ماده ۵۱ قانون تجارت الکترونیک، خود را از دایره «عرضه‌کننده» خارج کنند (حاجعلی و حسین‌پور، ۲۰۲۵).

با این حال، رویه قضایی و دکترین حقوقی ایران به سمت پذیرش مسئولیت پلتفرم‌ها در نقش «تسهیل‌کننده» حرکت کرده‌اند، به‌ویژه زمانی که پلتفرم در فرایند اعتمادسازی نقش محوری داشته باشد؛ در این شرایط، عدم انجام وظایف احتیاطی می‌تواند مبنای مسئولیت مدنی (مبتنی بر تقصیر در نظارت) قرار گیرد (میرلوحی، ۲۰۲۵). به عنوان مثال، اگر پلتفرم متعهد به واسطه‌گری پرداخت باشد و در این فرآیند، به دلیل ضعف امنیتی، وجه خریدار به حساب فروشنده نامعتبر واریز شود، این امر مسئولیت مدنی ناشی از نقض وظایف حرفه‌ای (Duty of Care) را به دنبال دارد (یوسف‌زاده، ۲۰۲۷). مسئولیت در قبال اشخاص ثالث، به ویژه در حوزه نقض حقوق مالکیت فکری یا انتشار مطالب افترآآمیز، پیچیده‌تر است (باقری و روح‌انگیز، ۲۰۲۰). در این موارد، ماده ۵۲ قانون تجارت الکترونیک نقش کلیدی دارد و مسئولیت را منوط به «علم» و «عدم اقدام به حذف» می‌داند؛ این ساختار، ماهیتی شبیه به مفهوم «ناظر آگاه» (Knowledgeable Host) در حقوق برخی کشورها دارد (محقق‌دولت‌آبادی و فلاح، ۲۰۱۷). اما پلتفرم‌ها در حقوق ایران، ابزار سیستمی کافی برای تشخیص محتوای غیرقانونی پیش از انتشار ندارند، و اعمال مسئولیت مدنی بدون اثبات علم قبلی، بسیار دشوار است (قرائتی، عزت‌زاده و محمدپور، ۲۰۲۵).

از منظر فقهی، اگر انتشار محتوای مضر (محتوای مبتنی بر تهمت یا افترا) در بستر پلتفرم صورت پذیرد، هرچند پلتفرم مستقیماً مرتکب تهمت نشده باشد، اما فراهم آوردن بستر آن، می‌تواند نوعی معاونت یا تسبیب در گناه و ضرر باشد که در فقه، مسئولیت آثاری را به همراه دارد (حبیب‌زاده و طاهر، ۲۰۱۴). این رویکرد فقهی، زمینه‌ساز گسترش مسئولیت به سمت مدل‌های مبتنی بر

«ریسک» است؛ یعنی اگر فعالیت یک بستر، به صورت سامانمند، موجب نقض حقوق شود، بستر باید در قبال آن پاسخگو باشد، صرف نظر از اثبات عنصر روانی (تقصیر) (نخجوانی و یاقوتی، ۲۰۲۵). مسئله نمایندگی و «ظاهر نماینده» نیز در مسئولیت مدنی مطرح است؛ اگر پلتفرم با ارائه خدمات و ظاهر خود، به کاربر اطمینان دهد که فعالیت‌های انجام شده در بستر آن قانونی و ایمن است (اصل اعتماد مشروع)، و این اعتماد منجر به ضرر شود، پلتفرم از طریق دکترین «تعهد به رفتار معقول» (Duty of Reasonable Conduct) مسئول شناخته می‌شود (تقی‌زاده، احمدی و افشین، ۲۰۱۵). این دیدگاه، مسئولیت را از تقصیر صرف فراتر برده و آن را مبتنی بر رفتار مورد انتظار از یک بازیگر غالب در بازار می‌داند (استا، شهبازی‌نیا و پارساپور، ۲۰۲۵).

با این وجود، فقدان سازوکارهای قانونی الزام‌آور برای مانیتورینگ فعال محتوا یا تأیید اعتبار فروشندگان در حقوق ایران، باعث می‌شود که بار اثبات مسئولیت مدنی در رویه قضایی به طور کامل بر دوش زیان‌دیده باقی بماند، که این امر با اهداف حمایتی قوانین حمایت از مصرف‌کننده در تضاد است (ظاهری، ۲۰۲۰). تقویت مسئولیت مدنی پلتفرم‌ها در ایران نیازمند قانون‌گذاری مشخصی است که در آن، به جای تمرکز صرف بر علم یا تقصیر، بر «لزوم اقدامات پیشگیرانه» و «شفافیت الگوریتمی» تأکید شود، مشابه آنچه در DSA اتحادیه اروپا دیده می‌شود (اکبری، پهلوان‌زاده و ایرانشاهی، ۲۰۲۴). در نهایت، مسئولیت مدنی پلتفرم‌ها در ایران نیازمند بازتعریف است تا بتواند تعادل میان آزادی عمل پلتفرم‌ها و تضمین حقوق مصرف‌کنندگان و اشخاص ثالث را برقرار سازد؛ این بازتعریف باید شامل ایجاد یک نظام نظارتی سلسله‌مراتبی باشد که در آن، هرچه نقش پلتفرم در مدیریت محتوا و تراکنش فعال‌تر باشد، مسئولیت مدنی آن نیز سنگین‌تر ارزیابی شود (حسینی مقدم، ایوبی و طالقان غفاری، ۲۰۲۳).

۵. نقش شروط قراردادی، شروط غیرمنصفانه و نمایندگی الکترونیکی

بررسی مسئولیت قراردادی پلتفرم‌ها بدون تحلیل دقیق شروط استفاده (Terms and Conditions) که اساس روابط قراردادی الکترونیکی را تشکیل می‌دهند، ناقص است؛ این شروط، تعیین‌کننده دقیق مرزهای مسئولیت، ضمانت‌ها و محدودیت‌های حقوقی طرفین هستند (باقری و روح‌انگیز، ۲۰۲۰). در حقوق ایران، ماده ۲۳۰ قانون مدنی و اصول کلی حاکم بر قراردادهای، به اصل حاکمیت اراده و الزام‌آور بودن شروط مورد توافق تأکید دارند، اما این اصل در قراردادهای الکترونیکی و به‌ویژه قراردادهای مصرف‌کننده، به شدت تحت تأثیر قوانین حمایتی مانند قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و قانون تجارت الکترونیک قرار می‌گیرد (حبیب‌زاده و طاهر، ۲۰۱۴).

یکی از مهم‌ترین مسائل، شروط غیرمنصفانه (Unfair Terms) است؛ شرایطی که تعادل قراردادی را به صورت غیرمتعارف به نفع پلتفرم بر هم می‌زند و به طور نامتناسب، مسئولیت‌های اصلی پلتفرم را سلب یا محدود می‌کند (میرلوحی، ۲۰۲۵). در حقوق ایران، اگرچه قانون مشخصی تحت عنوان «قانون شروط غیرمنصفانه» وجود ندارد، اما قواعدی چون «شرط خلاف مقتضای عقد» (ماده ۲۳۳ ق.م) و «شروط مبهم و مجهول» (ماده ۱۹۰ ق.م) به کار گرفته می‌شوند تا شروطی که به‌طور آشکار به ضرر مصرف‌کننده هستند، باطل اعلام شوند (صادقی، ۲۰۲۵). سلب کامل مسئولیت پلتفرم در قبال عیوب اساسی کالا یا خدمات عرضه شده از طریق واسطه‌اش، معمولاً مصادق شرط خلاف مقتضای عقد یا حداقل خلاف نظم عمومی تلقی شده و قابل ابطال است (حاجعلی و حسین‌پور، ۲۰۲۵). در زمینه نمایندگی الکترونیکی (Electronic Agency)، پلتفرم‌ها گاهی با استفاده از مکانیزم‌های خودکار و الگوریتمی،

وظایفی را انجام می‌دهند که در حقوق سنتی توسط وکیل یا نماینده انسانی صورت می‌گرفت (یوسفزاده، ۲۰۲۷). تحلیل ماهیت این نمایندگی (که می‌تواند نمایندگی قراردادی، عملیاتی یا صرفاً فنی باشد) در تعیین مسئولیت حیاتی است (اکبری، پهلوانزاده و ایرانشاهی، ۲۰۲۴). اگر پلتفرم در نمایندگی خود از حدود اختیارات تجاوز کند (مثلاً در قیمت‌گذاری یا تأیید هویت)، مسئولیت مدنی ناشی از اعمال غیرمجاز آن قابل طرح است (استا، شهبازی‌نیا و پارساپور، ۲۰۲۵).

ماده ۳۶ قانون تجارت الکترونیک در مورد آثار امضای الکترونیکی، اعتبار اسناد الکترونیکی را پذیرفته است، اما این اعتبار، مسئولیت پلتفرم را در قبال صحت محتوای امضا شده تضمین نمی‌کند؛ بلکه صرفاً اعتبار اراده طرفین را تأیید می‌نماید (ظاهری، ۲۰۲۰). در حوزه نمایندگی، به‌ویژه در مورد قراردادهای هوشمند (Smart Contracts) که پلتفرم می‌تواند بخشی از اجرای خودکار قرارداد را بر عهده بگیرد، این مسئله مطرح می‌شود که آیا خطا در کدنویسی الگوریتم، معادل تقصیر در اجرای قرارداد است یا خیر (محقق‌دولت‌آبادی و فلاح، ۲۰۱۷). حقوق ایران در این حوزه خلأ قانونی دارد و عمدتاً باید به قواعد کلی مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر یا مسئولیت ناشی از ابزار روی آورد (قرائتی، عزت‌زاده و محمدپور، ۲۰۲۵). بررسی فقهی نیز در این زمینه کمک‌کننده است؛ اگر پلتفرم به عنوان «وکیل خودکار» عمل کند، مسئولیت آن تابع قواعد وکالت است، مشروط بر اینکه این نمایندگی در چارچوب اذن صریح یا ضمنی باشد (حبیب‌زاده و طاهر، ۲۰۱۴). اما در مورد شروط غیرمنصفانه، قاعده «وفوا بالعقود» در برابر قاعده «لا ضرر» قرار می‌گیرد؛ جایی که شرطی به طور آشکار موجب ضرر غیرمتعارف شود، قاعده لاضرر می‌تواند بر آزادی قراردادی غلبه کند، به‌ویژه در معاملات B2C (نخجوانی و یاقوتی، ۲۰۲۵).

نقش شروط قراردادی در سلب مسئولیت از فروشندگان نیز حائز اهمیت است؛ پلتفرم‌ها اغلب شرط می‌کنند که در صورت بروز اختلاف میان خریدار و فروشنده، پلتفرم صرفاً نقش میانجی را ایفا خواهد کرد و مسئولیتی در قبال نقص کالا ندارد (تقی‌زاده، احمدی و افشین، ۲۰۱۵). اگرچه این شرط می‌تواند در روابط میان خود پلتفرم و فروشنده معتبر باشد، اما در برابر مصرف‌کننده نهایی، ممکن است به دلیل «عدم اطلاع مؤثر» یا «غیرمنصفانه بودن»، قابلیت اجرایی نداشته باشد، خصوصاً اگر پلتفرم مزایای تجاری ناشی از تضمین کیفیت را کسب کرده باشد (بهمن شرفخواه و فلاح خاریکی، ۲۰۲۵). در نتیجه، شروط قراردادی پلتفرم‌ها در حقوق ایران باید تحت یک غربالگری شدید قرار گیرند؛ غربالگری که هم ماهیت شروط را در چارچوب قواعد آمره حمایت از مصرف‌کننده بسنجد و هم تفسیر نمایندگی الکترونیکی را بر مبنای میزان دخالت فعال پلتفرم در فرایند معامله قرار دهد (حسینی مقدم، ایوبی و طالقان غفاری، ۲۰۲۳). این رویکرد تحلیلی نشان می‌دهد که اتکای صرف به شروط قراردادی برای سلب مسئولیت، در نظام حقوقی حمایتی ما محدودیت‌های جدی دارد.

۶. نظام مسئولیت پلتفرم‌ها در حقوق اتحادیه اروپا با تمرکز بر Digital Services Act

نظام مسئولیت پلتفرم‌ها در اتحادیه اروپا (EU) با تصویب قانون خدمات دیجیتال (Digital Services Act - DSA) در سال ۲۰۲۲، دستخوش یک تحول پارادایمی شده است؛ این قانون به جای تمرکز صرف بر واکنش پس از وقوع تخلف (همانند رویکرد «اعلام و حذف» در قانون تجارت الکترونیکی سال ۲۰۰۰)، بر تعهدات پیشگیرانه، مدیریت ریسک سیستمی و شفافیت مبتنی بر الگوریتم‌ها تأکید دارد (بهمن شرفخواه و فلاح خاریکی، ۲۰۲۵). DSA چارچوبی سلسله‌مراتبی برای انواع مختلف واسطه‌ها (Intermediary)

Services) ایجاد کرده است که مهم‌ترین آن‌ها میزبانان (Hosts) و بازارهای آنلاین (Online Platforms) هستند و بسته به میزان نفوذ و قدرت خود، مسئولیت‌های متفاوتی دارند (یوسف‌زاده، ۲۰۲۷).

مهم‌ترین وجه تمایز DSA، انتقال مسئولیت از حالت صرفاً «واکنشی» (Reactive) به حالت «پیشگیرانه» (Proactive) است؛ پلتفرم‌ها دیگر تنها منتظر دریافت اعلان برای حذف محتوای غیرقانونی نیستند، بلکه موظفند ارزیابی سالانه ریسک‌های سیستمی (Systemic Risk Assessments) را انجام دهند و تدابیری برای کاهش این ریسک‌ها بیاندیشند (میرلوحی، ۲۰۲۵). این ریسک‌ها شامل ترویج محتوای غیرقانونی، تأثیر بر سلامت عمومی، و سوءاستفاده از ضعف کاربران است (صادقی، ۲۰۲۵). این الزام، ماهیت مسئولیت پلتفرم‌ها را از مسئولیت ناشی از تقصیر به نوعی مسئولیت مبتنی بر ریسک مدیریتی (Managerial Risk Liability) تبدیل می‌کند (حاجعلی و حسین‌پور، ۲۰۲۵). در مورد کالاهای غیرایمن یا تقلبی، DSA و همچنین قوانین قدیمی‌تر مانند دستورالعمل مسئولیت محصولات (Product Liability Directive)، بار سنگینی را بر دوش پلتفرم‌هایی می‌گذارد که خود را به عنوان فروشندگان معرفی می‌کنند یا تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر نحوه عرضه محصولات دارند (حسینی مقدم، ایوبی و طالقان غفاری، ۲۰۲۳). DSA به صراحت بیان می‌کند که بازارهای آنلاین باید مکانیسم‌هایی را برای تأیید هویت فروشندگان (KYC) برقرار سازند و در صورت عدم رعایت، خود مسئول جبران خسارت مصرف‌کننده خواهند بود، حتی اگر فروشنده شخص ثالث باشد (اکبری، پهلوان‌زاده و ایرانشاهی، ۲۰۲۴). این امر مستقیماً با مسئولیت قراردادی پلتفرم در قبال مصرف‌کننده نهایی تلاقی می‌کند.

مسئولیت در برابر محتوای غیرقانونی نیز در DSA تغییر کرده است؛ اگرچه پلتفرم‌ها در قبال محتوایی که خودشان منتشر نمی‌کنند، مصونیت‌هایی دارند (مشابه ماده ۵۲ قانون تجارت الکترونیک ایران)، اما این مصونیت مطلق نیست و در صورت عدم اجرای تعهدات پیشگیرانه نظارتی (به ویژه برای Very Large Online Platforms - VLOPs)، این مصونیت‌ها از بین می‌روند (استا، شهبازی‌نیا و پارساپور، ۲۰۲۵). علاوه بر این، DSA تعهدات سخت‌گیرانه‌ای در زمینه شفافیت الگوریتم‌های توصیه‌گر (Recommender Systems) تعریف می‌کند؛ پلتفرم‌ها باید به کاربران امکان دهند که از سیستم‌های توصیه مبتنی بر پروفایل‌سازی دوری کنند (ظاهری، ۲۰۲۰). اگر الگوریتم به دلیل نقص در طراحی، منجر به انتشار گسترده محتوای زیان‌آور شود، پلتفرم مستقیماً مسئول شناخته می‌شود (قرائتی، عزت‌زاده و محمدپور، ۲۰۲۵). مسئولیت قراردادی در چارچوب DSA، بر اساس مفهوم «شرایط خدمات منصفانه» (Fair Terms of Service) تقویت می‌شود؛ این قانون شروط عمومی پلتفرم را ملزم می‌کند که شفاف باشند و به طور خودسرانه و ناعادلانه، حقوق کاربران را محدود نکنند (محقق‌دولت‌آبادی و فلاح، ۲۰۱۷). شروطی که پلتفرم را از مسئولیت‌های ناشی از نقض DSA مبرا سازند، باطل تلقی می‌شوند (تقی‌زاده، احمدی و افشین، ۲۰۱۵). این تمرکز بر منصفانه بودن شروط، یک مکانیزم کنترلی قوی‌تر نسبت به صرف ارجاع به قوانین عمومی حمایت از مصرف‌کننده در حقوق ایران فراهم می‌آورد (حبیب‌زاده و طاهر، ۲۰۱۴).

از منظر فقهی و حقوقی، DSA نمایانگر گذار از مسئولیت «فردی و معطوف به عمل» به مسئولیت «سیستمی و معطوف به ساختار» است؛ پلتفرم‌ها به دلیل تسلط بر فضای ارتباطی، نیازمند پذیرش تعهدات عمومی گسترده‌تر (Obligations of General Concern) هستند (نخجوانی و یاقوتی، ۲۰۲۵). این ساختار، با اصول حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق ایران که عمدتاً فردگرا هستند، فاصله دارد اما می‌تواند با تفسیر توسعه‌یافته از وظایف قانونی ناشی از مدیریت زیرساخت‌های حیاتی دیجیتال سازگار شود (میرلوحی، ۲۰۲۵). در مجموع، DSA یک مدل تنظیم‌گری افقی (Horizontal Regulation) را معرفی می‌کند که هدف آن ایجاد انضباط در

اکوسیستم دیجیتال از طریق تحمیل تعهدات مبتنی بر ریسک و شفافیت بر بازیگران مسلط است، که این رویکرد، به شکلی قاطع‌تر، مسئولیت‌های پلتفرم‌ها را در حوزه‌های مدنی و قراردادی فراتر از تصورات سنتی توسعه داده است (میرلوحی، ۲۰۲۵).

۷. تحلیل تطبیقی حقوق ایران و Digital Services Act (همگرایی‌ها و واگرایی‌ها)

تحلیل تطبیقی نظام مسئولیت پلتفرم‌ها در حقوق ایران و مقررات جدید اتحادیه اروپا (DSA)، تفاوت‌های بنیادین در فلسفه تنظیم‌گری و همچنین نقاط همگرایی عملی را آشکار می‌سازد (صادقی، ۲۰۲۵). واگرایی اصلی میان این دو نظام، در مبنای مسئولیت نهفته است؛ حقوق ایران همچنان عمدتاً مبتنی بر اصل «تقصیر و اثبات آن» در مسئولیت مدنی و «توافق اراده طرفین» در مسئولیت قراردادی است (حبیب‌زاده و طاهر، ۲۰۱۴)، در حالی که DSA چارچوبی جامع بر پایه «مدیریت ریسک سیستمی» و «شفافیت الگوریتمی» ایجاد کرده است (بهمن شرفخواه و فلاح خاریکی، ۲۰۲۵). در حوزه مسئولیت قراردادی، هر دو نظام به طور کلی اصل حاکمیت اراده را پذیرفته‌اند، اما دامنه محدودیت‌های مربوط به شروط غیرمنصفانه متفاوت است (باقری و روح‌انگیز، ۲۰۲۰). در حقوق ایران، محدودیت‌ها بیشتر به قواعد آمره نظم عمومی و قوانین حمایت از مصرف‌کننده (مانند ماده ۲۳۳ ق.م. محدود می‌شود، در حالی که DSA با الزام به «شروط خدماتی منصفانه»، مکانیسم‌های کنترلی مستقیم و گسترده‌ای را برای ابطال شروط خودسرانه فراهم می‌آورد (حسینی مقدم، ایوبی و طالقان غفاری، ۲۰۲۳). این امر نشان‌دهنده واگرایی در میزان حمایت از طرف ضعیف‌تر قرارداد است.

در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از محتوای اشخاص ثالث، همگرایی ظریفی وجود دارد؛ ماده ۵۲ قانون تجارت الکترونیک ایران، مصونیت پلتفرم را در صورت عدم علم و عدم تأخیر در حذف پس از اطلاع، مشابه اصل «مصونیت میزبان» در دستورالعمل تجارت الکترونیک اروپا (که DSA آن را تقویت کرده) می‌داند (ظاهری، ۲۰۲۰). با این حال، DSA با تعریف دقیق‌تر «وظیفه مراقبت حرفه‌ای» (Due Diligence)، این مصونیت را محدود می‌سازد؛ در حقوق ایران، اثبات تقصیر در نظارت دشوار است، اما DSA پلتفرم‌های بزرگ را ملزم به استقرار سیستمی می‌کند که عدم وجود آن خود تقصیر محسوب می‌شود، حتی اگر محتوای خاصی را قبلاً ندیده باشند (میرلوحی، ۲۰۲۵). بزرگ‌ترین واگرایی در حوزه تعهدات پیشگیرانه است؛ حقوق ایران (به دلیل تمرکز بر اصول سنتی مدنی) فاقد الزام قانونی برای انجام «ارزیابی ریسک سیستمی» یا «شفاف‌سازی الگوریتم‌های تأثیرگذار» است (نخجوانی و یاقوتی، ۲۰۲۵). DSA مستقیماً پلتفرم‌ها را مسئول ریسک‌های ناشی از نحوه عملکرد الگوریتم‌هایشان می‌داند، در حالی که در ایران، برای تحقق چنین مسئولیتی باید ابتدا این عدم شفافیت به عنوان «تقصیر در ایفای وظایف عمومی» یا «نقض تعهد قراردادی ضمنی» اثبات شود (یوسف‌زاده، ۲۰۲۷).

همچنین، DSA در حوزه مسئولیت کالاهای غیرایمن (محصولات معیوب)، با الزام فروشندگان به ثبت در سیستم و ایجاد مکانیزم‌های تأیید هویت توسط پلتفرم، مسئولیت‌های قراردادی و مدنی را به سمت پلتفرم‌های بازار هدایت می‌کند که در حقوق ایران، این تفکیک میان «عرضه‌کننده» و «تسهیل‌کننده» همچنان محل مناقشه است (صادقی، ۲۰۲۵). حقوق ایران در این زمینه، عمدتاً بر قوانین عمومی‌تر حمایت از مصرف‌کننده استوار است (حاجعلی و حسین‌پور، ۲۰۲۵). با این حال، یک همگرایی مهم در زمینه تعهدات عمومی وجود دارد؛ هر دو نظام بر اهمیت «مکانیزم‌های داخلی رسیدگی به شکایات» (Internal Complaint Handling Systems)

تأکید دارند (قرائتی، عزت‌زاده و محمدپور، ۲۰۲۵). پلتفرم‌ها در هر دو حوزه موظفند راهکاری برای رسیدگی مؤثر به اعتراضات کاربران فراهم آورند، هرچند ضمانت اجرای DSA برای عدم رعایت این مکانیزم‌ها بسیار شدیدتر است (تقی‌زاده، احمدی و افشین، ۲۰۱۵). به طور خلاصه، DSA یک چارچوب مدرن و مبتنی بر ریسک برای تنظیم‌گری پلتفرم‌ها ارائه می‌دهد که فاصله زیادی با رویکرد واکنشی و مبتنی بر تقصیر حقوق ایران دارد؛ اما در اصول پایه (مانند لزوم حذف محتوای غیرقانونی پس از اطلاع و حمایت از مصرف‌کننده در برابر شروط ناعادلانه)، می‌توان مبانی مشترکی را مشاهده کرد که می‌تواند سکوی پرتابی برای اصلاحات تقنینی در ایران باشد (اکبری، پهلوان‌زاده و ایرانشاهی، ۲۰۲۴).

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای تقنینی

پژوهش حاضر با تحلیل مبانی نظری و عملی مسئولیت مدنی و قراردادی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در حقوق ایران و مقایسه آن با رویکرد نوین قانون خدمات دیجیتال اتحادیه اروپا (DSA)، نشان داد که نظام حقوقی ایران در مواجهه با پیچیدگی‌های اقتصاد دیجیتال، نیازمند یک بازنگری اساسی است (میرلوحی، ۲۰۲۵). مسئولیت قراردادی پلتفرم‌ها در ایران همچنان به شدت مقید به تفسیر سنتی شروط قرارداد و دکتترین عمومی حاکمیت اراده است، هرچند که قوانین حمایتی مصرف‌کننده تا حدودی این تعادل را به نفع طرف ضعیف‌تر تغییر می‌دهند (حسینی مقدم، ایوبی و طالقان غفاری، ۲۰۲۳). در حوزه مسئولیت مدنی، اتکای مفرط به رکن تقصیر، دامنه حمایت از مصرف‌کننده و اشخاص ثالث در برابر ضررهای ناشی از عملیات سیستمی پلتفرم را محدود ساخته است (صادقی، ۲۰۲۵). واگرایی عمده با DSA در زمینه پذیرش مسئولیت مبتنی بر ریسک ساختاری و تعهدات پیشگیرانه است؛ در حالی که DSA پلتفرم‌ها را ملزم به ارزیابی و کاهش ریسک‌های سیستمی و شفاف‌سازی الگوریتم‌ها می‌کند (بهمن شرفخواه و فلاح خاریکی، ۲۰۲۵)، حقوق ایران فاقد الزامات مشابهی است و مسئولیت را منوط به تحقق یک خسارت مشخص و اثبات تقصیر در وقوع آن می‌داند (حبیب‌زاده و طاهر، ۲۰۱۴). این تفاوت فلسفی، ناشی از عدم شناسایی رسمی ماهیت «خدمات اطلاعاتی واسطه‌ای» در قانون‌گذاری ایران و عدم تفکیک قاطع میان نقش «ناشر» و «میزبان» در مدل‌های پلتفرمی جدید است (محقق‌دولت‌آبادی و فلاح، ۲۰۱۷).

در نتیجه، جمع‌بندی نشان می‌دهد که برای تقویت کارایی و انصاف در اکوسیستم تجارت الکترونیک ایران، اقدامات تقنینی زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. اولاً، اصلاح قانون تجارت الکترونیک و تعریف صریح «واسطه خدمات دیجیتال»: لازم است قانونی با الهام از چارچوب‌های اتحادیه اروپا، واسطه‌های بزرگ و بازیگران کلیدی را از سایر بازیگران متمایز کرده و سطوح مختلفی از مسئولیت (سلسله مراتبی) را بر اساس حجم تراکنش و قدرت بازار آن‌ها تعریف نماید (یوسف‌زاده، ۲۰۲۷).

۲. ثانیاً، توسعه مسئولیت مبتنی بر ریسک در شروط قراردادی: با استفاده از اختیارات موجود در قانون حمایت از مصرف‌کننده و ماده ۲۳۳ قانون مدنی، باید شروطی که به طور سیستماتیک مسئولیت پلتفرم را در زمینه تأمین امنیت و احراز هویت فروشندگان سلب می‌کنند، صراحتاً غیرقابل اجرا اعلام شوند؛ این امر نیازمند تأکید بر «وظیفه مراقبت حرفه‌ای» پلتفرم است (استا، شهبازی‌نیا و پارساپور، ۲۰۲۵).

۳. ثالثاً، الزام به شفافیت الگوریتمی و نظارت پس از اطلاع: باید تعهدی قانونی برای پلتفرم‌ها ایجاد شود تا مکانیزم‌های داخلی موثری برای گزارش‌دهی و حذف محتوای غیرقانونی (اعم از کالای تقلبی یا محتوای مضر) فراهم آورند، و در صورت اثبات عدم اجرای این مکانیزم‌ها، مسئولیت مدنی آن‌ها بدون نیاز به اثبات تقصیر جزئی، محقق شود (قرائتی، عزت‌زاده و محمدپور، ۲۰۲۵). این رویکرد، فاصله حقوق ایران را با استانداردهای جهانی DSA کاهش می‌دهد و زمینه را برای تعامل حقوقی بین‌المللی فراهم می‌سازد (میرلوحی، ۲۰۲۵).

۴. چهارماً، تقویت دکترین نمایندگی الکترونیکی: با توجه به نقش الگوریتم‌ها در قیمت‌گذاری و توصیه‌ها، لازم است در تفسیر قراردادهای، تصمیمات خودکار پلتفرم که مستقیماً بر منافع اقتصادی کاربر تأثیر می‌گذارد، در چارچوب تعهد قراردادی بررسی شده و خطاهای آن تابع قواعد مسئولیت قراردادی تلقی شوند، نه صرفاً تقصیر مدنی (تقی‌زاده، احمدی و افشین، ۲۰۱۵).

در مجموع، تحول در نظام مسئولیت پلتفرم‌ها در حقوق ایران نیازمند فاصله‌گیری تدریجی از مسئولیت مبتنی بر تقصیر فردی و حرکت به سمت مسئولیت‌هایی است که ماهیت سازمانی و سیستمی فعالیت پلتفرم‌ها را به رسمیت شناخته و مبتنی بر وظایف مراقبتی و مدیریت ریسک باشد (اکبری، پهلوان‌زاده و ایرانشاهی، ۲۰۲۴).

منابع

- میرلوحی. (۲۰۲۵). مسئولیت مدنی پلتفرم‌های تجارت الکترونیک در قبال مصرف‌کننده: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و امارات متحده عربی. آموزه‌های حقوق خصوصی کشورهای اسلامی، ۱۲(۱)، ۳۸-۱۷.
- صادقی. (۲۰۲۵). نقدی بر آرای دادگاههای حقوقی ایران از منظر برخی اصول کلی حاکم بر حقوق تجارت الکترونیک. دو فصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی، e۷۳۱۳۲۳.
- حسینی مقدم، ایوبی، ستاره، طالقان غفاری. (۲۰۲۳). مسئولیت مدنی فروشگاه‌های اینترنتی در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی موردی در اتحادیه اروپا. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۲(۴۴)، ۲۵۵-۲۸۴.
- قرائتی، عزت‌زاده، مستوره، محمدپور. (۲۰۲۵). طراحی الگوی توسعه پلتفرمی تجارت الکترونیک مبتنی بر هوش مصنوعی (مطالعه موردی: تجارت پلتفرمی دو کشور ایران و روسیه). نشریه علمی پژوهشی مدیریت کسب و کارهای بین‌المللی.
- محقق‌دولت‌آبادی، فلاح. (۲۰۱۷). مبانی تفسیر قرارداد در قانون تجارت الکترونیک. فقه، حقوق و علوم جزا، ۱۲(۲)، ۱۱۲-۱۲۳.
- نجوانی، یاقوتی. (۲۰۲۵). مسئولیت ناشی از کالای معیوب در پلتفرم‌های مارکت پلیس: مطالعه تطبیقی در آمازون و دیجی کالا. پژوهش‌های حقوق اقتصادی و تجاری، ۲(۳)، ۱۰۳-۱۳۵.
- تقی‌زاده، احمدی، افشین. (۲۰۱۵). جایگاه شروط غیرمنصفانه در حقوق ایران با نگاهی به ماده «۴۶» قانون تجارت الکترونیک. پژوهش حقوق خصوصی، ۳(۱۰)، ۹-۴۲.
- حبیب‌زاده، طاهر. (۲۰۱۴). وضعیت حقوقی نماینده الکترونیکی در انعقاد قراردادهای الکترونیکی (مطالعه تطبیقی). پژوهش حقوق خصوصی، ۲(۵)، ۶۴-۸۰.
- بهمن شرفخواه، مهدی فلاح خاریکی. (۲۰۲۵). مسئولیت مدنی اضرار ناشی از فروشگاه‌های اینترنتی در نظام حقوقی ایران. نشریه علمی مطالعات حقوق و علوم قضایی، ۲(۴)، ۵۳۱-۵۴۱.
- ظاهری. (۲۰۲۰). بررسی حقوق مالکیت فکری در تجارت الکترونیک در حقوق ایران با نگاهی بر حقوق تجارت بین‌الملل. فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، ۲(شماره ۳)، ۱۶-۲۷.

- استا، شهبازی نیا، پارساپور. (۲۰۲۵). معیارهای شناسایی نقش سکوه‌های معاملاتی اینترنتی؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و اتحادیه اروپا. پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۲۹(۳)، ۱-۴۰.
- اکبری، پهلوان زاده، ایرانشاهی. (۲۰۲۴). رویکردهای قانونگذاری در قراردادهای الکترونیک در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا. فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، ۶(۳)، ۱۹۷-۲۱۲.
- یوسف زاده. (۲۰۲۷). چارچوب قانونگذاری مطلوب در خصوص هوش مصنوعی در حقوق ایران با بررسی تطبیقی مقررات اتحادیه اروپا. پژوهشنامه حقوق تطبیقی.
- حاجعلی، حسین پور. (۲۰۲۵). حفاظت از داده‌های شخصی کودکان در ایران: تحلیلی بر خلأهای تقنینی و ارائه نقشه راه راهبردی با نگاهی به مقررات اتحادیه اروپا و بریتانیا. مطالعات حقوق تطبیقی.
- باقری، روح‌انگیز. (۲۰۲۰). بررسی مسئولیت متعاملین در حقوق تجارت الکترونیک و اتحادیه اروپا. مطالعات حقوق، ۴۳(۵)، ۲۴۳-۲۶۳.